



گاهنامه هنر و مبارزه

درباره کمپین

برای آزادی فریبرز رئیس دانا

و

سوء استفاده سیاسی

روز اول ژانویه 2011 خانم شهلا بهار دوست ایمیلی همراه با لینکی از یوتوب درباره کمپین برای آزادی فریبرز رئیس دانا فرستادند (1)، که سبب اصلی نگارش نوشته حاضر شد.

من به عنوان یکی از امضا کنندگان بیانیه برای آزادی فریبرز رئیس دانا در مورد محتویات این لینک به سه مورد کاملاً مشخص اعتراض دارم.

مورد اول این است که در آغاز، موضوع به شکل خیلی ساده و مختصر و مفید مطرح شده بود، در حالی که برخی مطالبی که در لینک ارسال شده می شنویم، حتی اگر صحیح باشد، از موضوع اصلی خارج می شود. به عنوان مثال «...در راستای اقتدار اقشار نظامی منجر به فشار بر اقشار زیرین جامعه... و غیره».

در حالی که موضوع اصلی منحصر به درخواست آزادی برای فردی است که تنها به خاطر بیان باورهایش و به خاطر دفاع از منافع کارگران و کارمندان و اقشار فقیر جامعه بازداشت شده است، و ما به این عمل غیر عادلانه با قطع نظر از درستی یا نادرستی انتقادات او اعتراض داریم. همین و بس.

دومین مورد، این است که من برای آزادی فریبرز رئیس دانا بیانیه را امضا کردم، و نیازی به سخن گو ندارم. ولی حالا می بینم که این کمپین یک سخن گو هم پیدا

کرده است. آقای فرشین کاظمی نیا، البته من شخصا ایشان را نمی شناسم، و بی گمان باید پسر خوبی هم باشد ولی چنین نیک اندیشی موجب نمی گردد که با تکیه به امضای معترضین به بازداشت فریبرز رئیس دانا خودش را به عنوان سخن گو معرفی کند. در این جا به آقای فرشین کاظمی نیا یادآوری می کنم که هر حرفی دارند به حساب خودشان بگویند. در هر صورت چنین عمل کردی از دیدگاه من معتبر نیست. البته امضا کنندگان هر یک می توانند به نام خودشان و سخن گوی خودشان باشند. به همان شکلی که خود من عمل کردم و قطعه ای را از طریق ایمیل برای دوستان فرستادم. چنین روی کردی بسیار مناسب است و افراد در عین اتحادشان برای موضوعی خاص می توانند نظریات خاص خودشان را بیان کنند.

سومین مورد، مرتبط است به معرفی امضا کنندگان. آقای فرشین کاظمی نیا از عده ای نام می برد، روشن است که نمی تواند از همه نام برد، همه امضا کنندگان را نمی شناسد و به خاطر نمی آورد. ولی متأسفانه این طور به نظر می رسد که در رسانه ها از برخی فرصت استفاده می شود تا برخی افراد را مطرح کنند. واقعه مشابهی در نظاهرات سبزهها در پاریس پیش آمد، و در بیانیه از عموم دعوت کرده بودند که بیایند، ونوشته بودند که (به ویژه) فلانی و فلانی هم (من اسمشان را در این جا نمی آورم) می آیند و با شما هستند. یعنی فوراً برای جمع راه پیمایان پیش نماز تعیین کرده بودند.

البته چنین بینشی که سعی می کند گروه اندکی را از جمع تفکیک کند، خواسته یا ناخواسته، نه تنها گویای تمایلات نخبه گرا بوده و نه تنها در فرهنگ طبقاتی ریشه دارد، بلکه گویای تناقض عمیقی بین ادعای دموکراسی و عمل تبعیض گرایانه است.

علاوه بر این حتی تکیه به جمع امضا کنندگان حاضر در فهرست نیز شاخص مناسبی برای جمع معترضین به بازداشت فریبرز رئیس دانا نیست، و اگر تعداد امضا کنندگان نسبتاً تا این اندازه اندک به نظر می رسد، یکی از دلایلش شاید همین باند بازی هایی باشد که در چنین مواقعی روی می دهد.

در نتیجه به اپوزیسیون های حرفه ای و طرفداران حقوق بشر حرفه ای یادآوری می کنم که درخواست آزادی فریبرز رئیس دانا به ذخیره آنها در خارج از کشور تعلق ندارد.

درپایان یادآوری می کنم، که البته مصاحبه فریبرز رئیس دانا با رادیو فردا اشتباه بوده است. مبارزین ایرانی به هیچ عنوان نباید با محافظی که از جانب ایالات متحده آمریکا پشتیبانی می شود هم کاری داشته باشند و از بلندگوهای آن از منافع کارگران و اقشار تهی دست ایران دفاع کنند.

مصاحبه فریبرز رئیس دانا با رادیو فردا یا تلویزیون آمریکایی احتمالاً از تناقضات او می باشد. ولی در هر صورت حتی چنین موردی در دورانی که ایالات متحده احتمالاً به همکاری اپوزیسیون های ایرانی و طرفداران حقوق بشر در ایران دست به عملیات تروریستی می زند، و متخصصین علمی و فیزیک هسته ای ایران را به قتل می رساند، بازداشت او در یک بامداد در منزلش محکوم است و باید آزاد شود و دولت ایران باید جبران حسارت کند.

حمید محوی

پاریس 1 ژانویه 2011

پانوشت

(1)

<http://www.youtube.com/watch?v=UXwHddEyzss>